



روزنامه یومنی عصر

نک شماره ۶۰۹

قیمت اشتراک : پیکانه هشتماهه سه ماهه
طهران و ولایات : ۱۰۰ قران ۲۵ قران
خارجی : ۱۲۰ ۱۰ ۳۰

قیمت اعلانات

صفحه اول سطری ۳ قران دوم و سوم ۲ قران چهارم اقرار محل اداره : لالزار نمره تلفون ۴۴۴

فروش	خرید	بروات	نوع	تکلیف خارجی	قران	د
فروش	خرید	بروات	نوع	تکلیف خارجی	قران	د
۱۰۰	۴۱	۴۱	۱۰۰	لیره عثمانی	۴۱	۲۰
۳۷۶	۴۷	۴۶	۲۵	لیره انگلیسی	۵۰	۵۰
۳۷۴	۵۵	۵۵	۱۰	مناتی طلا	۱۷	۲۰
۴۰۳	۱۷	۱۷	۹	اشرفی	۹	۲۰
۵۴۱	۴	۳	۸۰	بنجیزاری	۱۰	۴۰
۱۰۳۶	۱۰	۱۰	۴۰	دو هزاری	۱۰	۵۰
۲۴۵	۱۰	۱۰	۴۰	بیک پیلوی صورتی	۱۰	۴۰

عصر و سمه

۱۹۲۹ میزان ۱۳۰۷ آریان ۱۳۴۲ نوری ۲۰ نوری ۱۹۲۹
صاحب : آیاز و مری رسول نعی مسعودی
محل اداره : لالزار نمره تلفون ۴۴۴

تلخیص و ترجمه حب الله آوزگار

عالی ارواح

دلیل نقلی بر بقاع روح

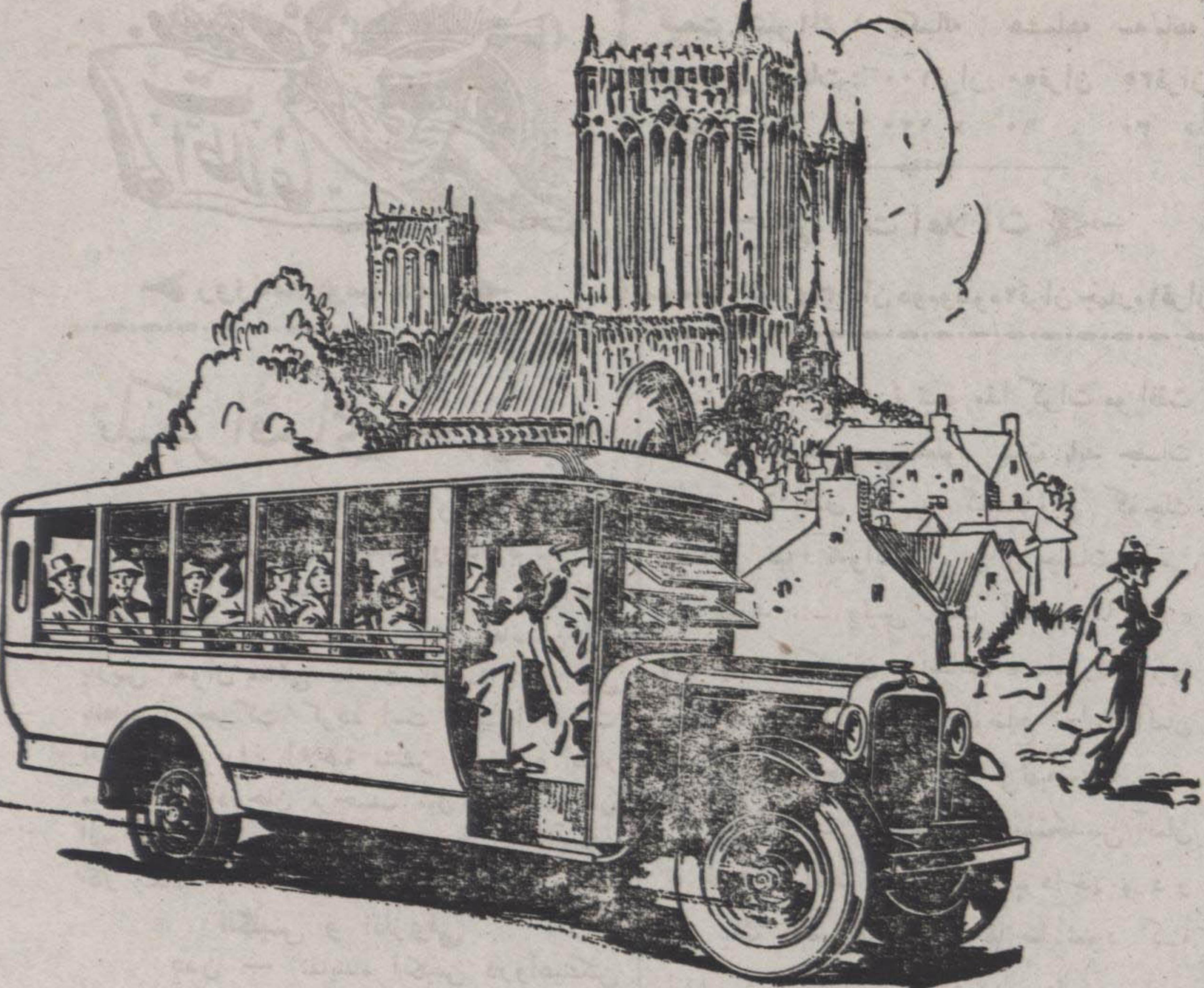
زیرا مردم سه طایفه اندیکی ها مان
قد و دموی هشیاران متغیر و سومی داشتمان
حق و اینکو مطالب برای طایه اول نی فایده
وابدا در این صدد نیستند و داشتمان هم خود
هرچه باید بهمنه از لایل لقی و حق فهیه و
دارای قیده بخدا و بیقاء روح و نواب و عتاب
شده اند ولی مردم متوسط که هشیاران متغیرند
این لایل نسلی شوند و بان زودی قاتم تکریز
در سورتی که اگر هم فرزندان آدم دارای این
حقیقت بخدا و بیقاء روح بودند هرگز در دنیا
ظلم و تهدی واقع نیشد و هیچکو کنایه و خطای
از کسی سر نیزد و همه برادر و قرن ساده
بودند ولی این غرور بیوشی و یهاری موجودشک
و تردید در امور ماوراء طبیعت خاصه مسئله روح
شده و بنا بر این ما راست که از طریق دلیل عقل
در اثبات روح و بقاه آن می از مرد بسط مقال
د هم بتاریک کوئی

(۱) ملاحظه فرمایید آقاب عالمتاب
ما و هزاران آقاب دیگر که در جویی اتفاق
در سیر و کردهند خود جسمی هستند که
شاع آنها بیک چشم بهم زدن از شرق بغرب
بریاییشود

از این آیات و اخبار معلوم میشود که
روح آدمی می از مرد باقی و زنده است
در صورتی که بحکم باده عقل جسد مرد
و نیست می شود و وقتیکه ثابت شد که روح
باقی و جسد فانی است آنکه از معرفت میخواهد
که روح خواهش کنم در صد برویند
احتیاجات مملکت هستند

(۲) یقین اسلام در یکی از خطبه ها
می فرمایید : (و یقینه مرد را در تابوت گذارند
رواح ایلایاتی بایوبت یروازی کند و گوید آنکه
و خوبشان دنیا بشام ایلایاتی آنطور که بامی بازی
کردند مارلار از طریق حلال و حرام جمیع کردم
نفس بشامها رسید و کنادش بکردن من مانند
بیهوده از آنها من در جایی که از این انتقام
پنهان شد هریک لحظه روشنای آن هم در طرف
مشرق پنهان می شود در صورتیکه اگر شاع
جسم بود مدتها وقت لازم داشت تا مخفی و
ستور گردد - در حیلیکه چو هر قس انسانی
برعات از عالم خورشید طبقیر است و بنابراین
همان طور که همان خورشید تمام بخطود را فرا می
فرید ارواح مختلف و جوهر ایلایی هم تمام چو و میخط
افلاک و بیارات دافرا که در جویی اتفاق
ارواح ایلایاتی بایوبت یروازی می شود در صورتیکه اگر شاع
بالعمل انسان وبالقوله فرشته اند و ارواح خیثه توافقی
که در بدن عنصری هستند بالعمل انسان وبالقوله می خطاند
نه بطوریکه فرشته و دو تبعصر تارواح انسانی
می از مرد از آنها من در دوچار شدم) مقصود مساب
کلام آنکه می از مرد چیزی غیر از جسد باقی است
که لایه، تاوت یروازی بیکند و باش بگردن گفته همان
کیمکه مال را جم کرد و باش بگردن گفته همان
صاحب جسد است و آن اهل و بیان از اویندند
بین دلالت صریح دارد بر آنکه آن روح پر و از
کنده انسان صاحب اهل و عیال و جامع
مال و مثال است نه آن جسد جاهد بی
حرکت

(۳) البته میدانید که جمع ملل دنیا از چنین
و هندي و فرنگي و عرب و عجم و صاجان اد مان و
مناهي از بود و نصارى و هندو و میوس و مسلمان
هر یاری مرد گار خود خود بین آنها و میتوانند
که غیر از روح است انسان غیر از جسد است
ناشی شود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
و از عذر عذر جور حاصل می شود و بیداری
خواب می آورد و خواب بیداری دارد و از
ضعف قوت خیزد و از قوت ضفت حاصل
کردد بیمارت ساده هر چیزی بند خودتبدیل
می شود و بعضی بعضی دیگر مستحبی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
و از عذر عذر جور حاصل می شود و بیداری
خواب می آورد و خواب بیداری دارد و از
ضعف قوت خیزد و از قوت ضفت حاصل
کردد بیمارت ساده هر چیزی بند خودتبدیل
می شود و بعضی بعضی دیگر مستحبی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبیعی است مفتراء
می کوید : علم عبارت است از ذکر که به
ظایلیکه انسان قبل از زندگانی فعلی خود
می شود و بعضی بعضی دیگر مخصوصیتی می گردد
زندگانی و مرگ - وجود عدم - هست و نیست
هر دو قصی بیک در کردن وجود عدم ناشی مشود
مراثا زیارت - بنا بر این باید از مرک هم حیات
نشای خود زیرا مرک هم قصی خود و بیداری
گر که هنر خلاف قاعده کای طبی



برقوت - صرفه جو - شش سیلندر

حالا و قمی استکه بشما معرفی کنیم ماشین های راه داری قوت کامل با خروج کم و در عین حال قیمتی نیز اوقیاناده ارزان و مطابق میل اشخاص صیر و صرفه جو است تشكیلات این ماشین ها با بین اسپایها و دارای ۶ سیلندر بیاند مقداری از این ماشین های سنگین و کار مای قوی شما را فقط تراک های دو تویی گرا هم برادران میتوانند تأمین نمایند:

وقتی صاحب یکی از ماشین ها شدید تصدیق می کنند که هر چه بار گذارید کنچالش دارد و در کمال آسودگی و بدون رحمت حمل و نقل کرده خسته نشند شخص و تلف نشند وقت و بول شما نخواهد بود و هر طور که با وحشتناق باشید بطبع شما است

ف. ۱. کتابنده

عامل فروش

GRAHAM BROTHERS TRUCKS AND BUSES

منسق شفته رهاری راه آهن که بمحبوب فناون مصوب ۲۴ آنامه ۱۳۰۵ استفاده شده در تاریخ ۷ دیمه ۱۳۰۷ متفقی مشود و چون ادامه خدمت مشارکه به راه اداره نقشی و نظارت راه آهن لازم میباشد لهذا ماده واحده دلیلا تقدیم و تصویب آن را استعداد دارد

ماده واحده — مجلس شورای ملی وزارت فوائده امام اجازه میدهد که متر س. ح - کارول مهندس تبه از ازوی امریکا رای مدت دو سال بست سرهنگی و ضریوت هیئت نظارت و تدقیق راه آهن باشی دوازده هزار توان حقوق استفاده خواهد - وضمنا رای سکونت در شهران یک منزل و اذنه نسبت باسوخت روشنایی در اختیار مشاور ایه که اذنه و ناصدی ۱۵ مقری مذکور رای این مصرف پرداخت کردد و در موقع مسافت در ایران عین خارج مسافت را تدبیه و خارج معاودت با مرکارا بوطی خارجیکه برای آمدن عوده است تا دیه ناید و زیر خود عده مخدوم خود چم - رئیس وزراء مهدیلی

تاسیس دستکاههای رادیو
لایه ذیل را که راجح بانتیاز دستکاههای رادیو ایران میباشد شب کدش آفای وزیر فرانه
عاه بیانی تعمیر مقدس شورای ملی

ساخت تعمیر تفاوی ایانی میرزا عبد الحسین در تعمیر تفاوی ایانی میرزا عبد الحسین خان دیبا راجح بانتیاز اخصاری رادیو بیرون و نظر این که تاسیس مرکز انتشار اخبار و اصوات ایان میباشد پس از این مدت دستکاههای رادیو ایران میباشد شو خواهد بود که آنها را در این مدت خواهد داشت

ماده سوم — هر شخص تفاوی ایانی که میباشد میباشد که از این مدت خواهد بود

ماده سوم — هر شخص تفاوی ایانی که میباشد میباشد که از این مدت خواهد بود

ماده سوم — هر شخص تفاوی ایانی که میباشد میباشد که از این مدت خواهد بود

ماده سوم — هر شخص تفاوی ایانی که میباشد میباشد که از این مدت خواهد بود

ماده سوم — هر شخص تفاوی ایانی که میباشد میباشد که از این مدت خواهد بود

ماده سوم — هر شخص تفاوی ایانی که میباشد میباشد که از این مدت خواهد بود

ماده سوم — هر شخص تفاوی ایانی که میباشد میباشد که از این مدت خواهد بود

ماده سوم — هر شخص تفاوی ایانی که میباشد میباشد که از این مدت خواهد بود

ماده سوم — هر شخص تفاوی ایانی که میباشد میباشد که از این مدت خواهد بود

ماده سوم — هر شخص تفاوی ایانی که میباشد میباشد که از این مدت خواهد بود

ماده سوم — هر شخص تفاوی ایانی که میباشد میباشد که از این مدت خواهد بود

ماده سوم — هر شخص تفاوی ایانی که میباشد میباشد که از این مدت خواهد بود

اطلاعات

قوله هوانی که بترتیب منظم دائمی در خطوط بین ایران و خارج کار میکنند و همچنین مقدار سوختی که جمیع راه لازم باشد

۱۰ - لفاف های متعارفی باشتنای طروف

شیشه و لفاف های تجمیعی

۱۱ - قطعات کشتنی از قبیل دکل و

سراع و لنگر و طناب و سایر متعلقات جهانگردی

که در سواحل ایران غرق و یا بخاک نشسته

اند و همچنین اسباب و لوازم چهارتچاری ای

ایران که در سواحل خارج غرق گردیده

و یا بخاک نشسته و تاشتمان بعد از قوع قصبه

مجددا بایران حمل می شود

تصویر ۱ - مفهیت های مقرر، رای

قانون شامل اینی که وزود با خروج آنها

منوع یا موکول باچاره مخصوص است

نحوه این بود

تصویر ۲ - دولت متواند ادویه و اشیاء

متعلقه بشتر و خوشیدسرخ و مؤسسه ای ای

و خیریه و مازو و معلمات علمی و صنعتی مدارس را

در مواد مقتصیه از حقوق کمرکی میاف

ساخت آن بایران وارد و مجددا حمل بخارج

میشود رد نماید

تصویر ۳ - دولت می تواند بر طبق

تریبیت و شرایطه، که در نظامنامه مربوطه

مین خواهد نمود تمام یا قسمی ای

کمرکی ماخوذه امته را که برای تکلیف

ساختن آن بایران وارد و مجددا حمل بخارج

میشود

تصویر ۴ - بایران را در

آفای ویژه مخالف باید میگویی

تاریخی از ویژه مخالف باید میگویی

دانه ای از ویژه مخالف باید میگویی

دانه ای

رأی محکمه عالی استیناف راجع به سید احمدیان

در موضوع عرضحال استینافی سید عباس و سید محمود فرزندان بر حوم آقا سید احمد صراف از حکم محکمه جنجه دادرس بود و سال حبس تادبی نسبت بسید عباس و پیکال در باره آقا سید محمود بحروم و روشستکی بقصیر که حکم مذبور در تاریخ هفدهم تیر ماه ۳۵۷ به متهمین ابلاغ و در موعد قانونی عرضحال استینافی تقديم نموده و در تاریخ ۴ شنبه ۲۴ بهمن ماه جلسه بمحاکمه مرکب از آقابان ذیل با حضور آقای سیاسی نماینده رئیس محکمه آقای زرین کفش عضو آفای منصور عضو آفای شبانه

پارکه و متهمین و کیل مشارکه‌ها (آقای نقیب زاده مشایخ، تشکیل گردیده پس از املحاظه و قرائات اوراق لازمه و استعمال اظهارات و کیل متهمین و کسب عقیده نماینده یارکه که بر تأیید حکم بدوزد و آخرین دفاع متهمین هیئت محکمه شاوره نموده بشرح آقای رای صادر و اعلام شده حکم محکمه جنجه ابرادانی متوجه است.

۱ - دلبلی اقامه شده است که آقا سید محمود بدید از فوت مرحوم آفاسید احمد سمت با مسویتی در تجارت خانه احمدیان داشته است و آنچه از محتویات دوسيه مستقاد مشیش و در رایورت هیئت تصفیه نیز اشاره بسان شده شخص مذبور بعد از فوت پدر اقدامات و کوشش هایی از قبیل گروگداشت املاک خود برای تهیه وجه و برداخت حقوق صاجبان طلب گردیده است بنابراین جرمی متوجه آقا سید محمد نموده بیش باشد

۲ - آقا سید عباس در ایجاد موجات نوقف و ورشکستگی تجارت خانه مسئولیتی نداشته و تصفیر او این است که بعد از غرفت پدر که مسئولیت تجارت خانه را بهم کرد، با اطلاع از فراهم بودن موجات نوقف بخدمات صالحه مراجعه نکرده و مدت دو سال اوضاع نیا ترتیب تجارت خانه را ادامه داده و عمل شمول فقره ۳ از ماده ۳۶ قانون تجارت است و جد و جهد هایی که باقی برادرش برای تأمین حقوق و طلب طباکاران کرد، و اوضاع و احوال فتبه تصفیر او را کوچک و مستحق غضبنش می نماید.

بنابراین حکم محکمه جنجه فسخ و تبریه آقا سید محمد اعلام و آقا سید عباس بر طبق ماده ۲۳۷ قانون مجازات سه ماه حبس نادیمی محکوم بیشود و نظر بنداشن سابقه محکومت و مبلغ بودن اوضاع و احوال قضیه حبس مزاوو در طبق ماده ۴۸ از قانون فوق تعلق مشود و در صورت موقع اجراء ییاد کردن حبس تعیقی - مدت توقيت گذشته باید محاسب شود محل پسر محکم، اضاءه: زرین کفش محمدرضا منصور شاهنشا

۲۲۶۵ نامه اعلان

اطلاعات

محضون تبعین و مدارس ملی اعزام گردیده اند که معین شود کدام بیک از مدارس ملی مرکز و اجد شرائط مذکوره بوده و کدام بیک فاقد آتد - مادرین مذکور از چندی قبل شروع به تحقیقات نموده و امور از اطلاعاتی که در شیوه تحقیقات خود بدست آورده را پرداخته داشته اند - اطلاعات مذکوره بضمیمه اطلاعاتی که بو سلطه مطالعه از دوسته های مدارس ملی استخراج شده در دوسته پیشنهاد اداره نظایرات عمومی و تصویب مقام وزارت هقدیر گردیده کمپیونی مرکز از یکنفر یکنفر نماینده از طرف اداره نظایرات عمومی تشکیل و به اطلاعات جمع آوری شد رسیده کی نمود و در ظرف سه روز رایرت جامعی راجع به مدارس مذکوره تهیه او بمقام وزارت تقدیم نماینده که معلوم شود کدام بیک از مدارس و اداره نظایرات عمومی تشکیل و به اطلاعات از طرف اداره نظایرات عمومی راجع به مدارس مذکوره میباشد - تقسیم اعنه پس از خانمه کمپیون مذکور شروع و تا او سطمه اتفاق افتخار شعبه بانک بازار

۲۹ بهمن با حضور مسیو لیدن بلانت دیش کل بانک - فوکل معاون بازنش و مسیو روست رئیس شعبه مذکور و عده از تجارت شده بودند رسماً افتخار شد.

۳۰ آشعب بانک ملی در پرندگان - یکمی - کرد گردید

۳۱ دهاب و شیخ زانیس خواهد شد

۳۲ شعبه بانک ملی در ازاز روز دوسته

۳۳ ماده ۶ - صاحب امتیاز مکافایه مدارس ملی

۳۴ شرایط بین المللی مربوطه برای دیفونز رایع

۳۵ ماده ۷ - صاحب امتیاز این اتفاق از

۳۶ ماده ۸ - صاحب امتیاز مکافایه مدارس ملی

۳۷ ماده ۹ - این امتیاز در هیچ قطعه از اتفاقات

۳۸ ماده ۱۰ - پس از اتفاق اتفاقی مذکور

۳۹ ماده ۱۱ - دولت حق دارد شیخ

۴۰ ماده ۱۲ - اتفاق اتفاقی مذکور

۴۱ ماده ۱۳ - دولت حق دارد شیخ

۴۲ ماده ۱۴ - اتفاق اتفاقی مذکور

۴۳ ماده ۱۵ - اتفاق اتفاقی مذکور

۴۴ ماده ۱۶ - اتفاق اتفاقی مذکور

۴۵ ماده ۱۷ - اتفاق اتفاقی مذکور

۴۶ ماده ۱۸ - اتفاق اتفاقی مذکور

۴۷ ماده ۱۹ - اتفاق اتفاقی مذکور

۴۸ ماده ۲۰ - اتفاق اتفاقی مذکور

۴۹ ماده ۲۱ - اتفاق اتفاقی مذکور

۵۰ ماده ۲۲ - اتفاق اتفاقی مذکور

۵۱ ماده ۲۳ - اتفاق اتفاقی مذکور

۵۲ ماده ۲۴ - اتفاق اتفاقی مذکور

۵۳ ماده ۲۵ - اتفاق اتفاقی مذکور

۵۴ ماده ۲۶ - اتفاق اتفاقی مذکور

۵۵ ماده ۲۷ - اتفاق اتفاقی مذکور

۵۶ ماده ۲۸ - اتفاق اتفاقی مذکور

۵۷ ماده ۲۹ - اتفاق اتفاقی مذکور

۵۸ ماده ۳۰ - اتفاق اتفاقی مذکور

۵۹ ماده ۳۱ - اتفاق اتفاقی مذکور

۶۰ ماده ۳۲ - اتفاق اتفاقی مذکور

۶۱ ماده ۳۳ - اتفاق اتفاقی مذکور

۶۲ ماده ۳۴ - اتفاق اتفاقی مذکور

۶۳ ماده ۳۵ - اتفاق اتفاقی مذکور

۶۴ ماده ۳۶ - اتفاق اتفاقی مذکور

۶۵ ماده ۳۷ - اتفاق اتفاقی مذکور

۶۶ ماده ۳۸ - اتفاق اتفاقی مذکور

۶۷ ماده ۳۹ - اتفاق اتفاقی مذکور

۶۸ ماده ۴۰ - اتفاق اتفاقی مذکور

۶۹ ماده ۴۱ - اتفاق اتفاقی مذکور

۷۰ ماده ۴۲ - اتفاق اتفاقی مذکور

۷۱ ماده ۴۳ - اتفاق اتفاقی مذکور

۷۲ ماده ۴۴ - اتفاق اتفاقی مذکور

۷۳ ماده ۴۵ - اتفاق اتفاقی مذکور

۷۴ ماده ۴۶ - اتفاق اتفاقی مذکور

۷۵ ماده ۴۷ - اتفاق اتفاقی مذکور

۷۶ ماده ۴۸ - اتفاق اتفاقی مذکور

۷۷ ماده ۴۹ - اتفاق اتفاقی مذکور

۷۸ ماده ۵۰ - اتفاق اتفاقی مذکور

۷۹ ماده ۵۱ - اتفاق اتفاقی مذکور

۸۰ ماده ۵۲ - اتفاق اتفاقی مذکور

۸۱ ماده ۵۳ - اتفاق اتفاقی مذکور

۸۲ ماده ۵۴ - اتفاق اتفاقی مذکور

۸۳ ماده ۵۵ - اتفاق اتفاقی مذکور

۸۴ ماده ۵۶ - اتفاق اتفاقی مذکور

۸۵ ماده ۵۷ - اتفاق اتفاقی مذکور

۸۶ ماده ۵۸ - اتفاق اتفاقی مذکور

۸۷ ماده ۵۹ - اتفاق اتفاقی مذکور

۸۸ ماده ۶۰ - اتفاق اتفاقی مذکور

۸۹ ماده ۶۱ - اتفاق اتفاقی مذکور

۹۰ ماده ۶۲ - اتفاق اتفاقی مذکور

۹۱ ماده ۶۳ - اتفاق اتفاقی مذکور

۹۲ ماده ۶۴ - اتفاق اتفاقی مذکور

۹۳ ماده ۶۵ - اتفاق اتفاقی مذکور

۹۴ ماده ۶۶ - اتفاق اتفاقی مذکور

۹۵ ماده ۶۷ - اتفاق اتفاقی مذکور

۹۶ ماده ۶۸ - اتفاق اتفاقی مذکور

۹۷ ماده ۶۹ - اتفاق اتفاقی مذکور

۹۸ ماده ۷۰ - اتفاق اتفاقی مذکور

۹۹ ماده ۷۱ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۰۰ ماده ۷۲ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۰۱ ماده ۷۳ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۰۲ ماده ۷۴ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۰۳ ماده ۷۵ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۰۴ ماده ۷۶ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۰۵ ماده ۷۷ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۰۶ ماده ۷۸ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۰۷ ماده ۷۹ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۰۸ ماده ۸۰ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۰۹ ماده ۸۱ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۱۰ ماده ۸۲ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۱۱ ماده ۸۳ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۱۲ ماده ۸۴ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۱۳ ماده ۸۵ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۱۴ ماده ۸۶ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۱۵ ماده ۸۷ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۱۶ ماده ۸۸ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۱۷ ماده ۸۹ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۱۸ ماده ۹۰ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۱۹ ماده ۹۱ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۲۰ ماده ۹۲ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۲۱ ماده ۹۳ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۲۲ ماده ۹۴ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۲۳ ماده ۹۵ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۲۴ ماده ۹۶ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۲۵ ماده ۹۷ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۲۶ ماده ۹۸ - اتفاق اتفاقی مذکور

۱۲۷ ماده ۹۹ - اتفاق اتفاقی مذکور

